

مطالعه و تحلیل جایگاه آموزش در منابع دینی با تأکید بر نهج البلاغه

علیرضا قبادی، ولی اله اسماعیل پور

چکیده

آموزش و جایگاه آن از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های بسیاری از افراد از جمله رهبران معنوی در جامعه است. فرایند آموزش از یک سو موجب انتقال دانش و معرفت و از سوی دیگر سبب تغییر نگرش و رفتار افراد و گروه‌های اجتماعی جهت توسعه و ارتقای سطح زندگی است. به دلیل چنین اهمیتی آموزش (تعلیم و تربیت) در قرآن کریم و سایر منابع دینی جایگاه والایی دارد. نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، گرانسنگ‌ترین منابع دینی‌ایست که بر امر آموزش و جایگاه آن تأکید فراوان دارد. از دیدگاه نهج‌البلاغه، تعلیم و تربیت، مجالست و مؤانست علمی در همهٔ ارکان جامعه ضروری است. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) رسیدن انسان به کمال و رهایی از جهل و نادانی را در گرو آموزش می‌داند و تعلیم را جزء وظایف مهم حاکمان، عالمان، والدین و تعلّم را وظایف همگان بر می‌شمارد.

کلید واژه‌ها: آموزش، تعلیم، تعلّم، تربیت، نهج‌البلاغه.

مقدمه

آموزش و نظام مرتبط با آن اساسی‌ترین ساختار در تولید و انتقال نظام معرفتی، علمی و باورهای بنیادین از نسلی به نسل دیگر دیگر در جامعه است. افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آموزش‌های ایجابی و سلبی جامعه‌پذیر می‌شوند؛ به همین سبب آموزش به دوره یا مکانی خاص اختصاص ندارد. ضرورت آموزش دادن و آموزش پذیرفتن برای همه افراد "زگهواره تا گور" به عنوان امری مسلم است. تأکید به آموزش در اسلام و منابع دینی، به ویژه در قرآن کریم و سایر منابع دینی در انتقال علم و حکمت به افراد جامعه به وضوح دیده می‌شود. نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم گرانبه‌ترین و اثرگذارترین میراث دینی دربردارنده سخنان امام علی(ع) در حوزه خدانشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی مباحث ژرف فلسفی و شیوه‌های حکومت‌داری، آموزش و ... است. اهتمام به امر آموزش در نهج‌البلاغه به گونه‌ای است که حضرت آن را وظیفه حاکم جامعه اسلامی دانسته است. این جستار با توجه به اهمیت و جایگاه این منبع مهم معرفتی از یک سو و اهمیت آموزش در جامعه از سوی دیگر، به تحلیل و طبقه‌بندی آموزش و جایگاه آن از این مأخذ ارزشمند اختصاص یافته است. این مقاله ضمن مراجعه به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج‌البلاغه به تبیین و تحلیل مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش پرداخته است.

مسئله پژوهش

رشد و شکوفایی استعدادها، اندیشه‌ها، نگرش‌ها و تعمیق ارزش‌های انسانی بر پایه آموزش استوار است. آموزش را می‌توان مجموعه فعالیت هدفمندی تعریف کرد که برای ایجاد یادگیری صورت می‌گیرد و مبتنی بر تغییر دانش، نگرش و تعامل با گروه‌ها و افراد اجتماعی است. چنانکه برخی محققان و اندیشمندان آموزش را فعالیت یا تدبیری از پیش طرح‌ریزی شده تعریف می‌کنند که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۷۹: ۳). بر این اساس، آموزش ضرورتی دائمی برای همه گروه‌ها در دوره‌های حیات بشری محسوب می‌شود؛ زیرا بدون آموزش زندگی میسر نیست و تا زندگی هست آموزش نیز وجود دارد. آموزش به دو شیوه سلبی و ایجابی در جامعه‌پذیری افراد و گروه‌های اجتماعی نقش دارد. در شیوه ایجابی به پرورش و رشد اندیشه انسانی، خلاقیت، خودآگاهی، آزاداندیشی، نظم و امنیت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری منجر خواهد شد. چنانکه «جان دیویی» هدف بنیادین آموزش را بازسازی جامعه و رشد فردی می‌داند (خوش‌صحبان، ۱۳۹۳: ۷۶).

در شیوه سلبی از بروز ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی جلوگیری می‌کند. از این‌رو، کم و کیف آموزش محل دغدغه و مطالعه بسیاری از محققان، مربیان و معلمان دلسوز بوده است. این مهم در ادیان و مذاهب مختلف از جمله اسلام، به عنوان کامل‌ترین تعلیم دینی، مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است. علاوه بر آنچه در قرآن کریم و سایر منابع روایی و دینی درباره تزکیه، تعلیم و تعلم آمده، فقط بیش از یکصد و پنجاه روایت در موضوع علم (آموزش) در کتاب دوم اصول کافی گردآوری شده است. اما، پرسش تحقیق این است که اگرچه رویکرد و نگاه کلان دین در برابر آموزش روشن است؛ کم و کیف آموزش در منابع دینی از جمله نهج‌البلاغه چیست؟ مؤلفه‌ها و عناصر آموزش در نهج البلاغه کدام است؟ آموزش در نهج‌البلاغه چه تقسیم‌بندی و موضوع‌بندی دارد؟ از ویژگی‌های فوق می‌توان چه نتایج آموزشی استنباط کرد؟

اهداف پژوهش

در یک نگاه کلی اهداف این مقاله، پاسخ به پرسش‌ها در بیان مسئله است؛ اما دو هدف اصلی این مقاله عبارت‌اند از:

۱. آموزش در نهج‌البلاغه دارای چه تقسیم‌بندی و موضوع‌بندی است؟
۲. از منظر نهج‌البلاغه، حاکم اسلامی در امر آموزش چه وظایفی دارد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

در منابع دینی از آموزش (تعلیم و تعلم) به‌صورت عام تأکید فراوان شده است. علاوه بر آنچه در قرآن کریم و سایر منابع روایی و دینی درباره تزکیه، تعلیم و تعلم علم و حکمت آمده، بیش از یکصد و پنجاه حدیث در موضوع علم (آموزش) در کتاب دوم اصول کافی گردآوری شده است. اما، ضرورت و اهمیت این پژوهش تدوین عناصر و مؤلفه‌های آموزش و نتایج استنباطی آن از این منبع مهم معرفتی است. تدوین عناصر و مؤلفه‌های آموزشی از نهج‌البلاغه می‌تواند گامی در جهت نزدیکی افراد و گروه‌های اجتماعی به مکتب متعالی اهل بیت (ع) در جامعه ما به‌شمار آید؛ به‌گونه‌ای که نکات دریافتی از این منبع ارزشمند در دستیابی به اهداف آموزشی بسیار مؤثر است.

روش پژوهش

روش این تحقیق، اسنادی با رویکردی توصیفی - استنباطی است.

نگاهی به پیشینه پژوهش

مطالعه و بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که تاکنون درباره آموزش در منابع دینی به‌ویژه، نهج‌البلاغه به‌طور عام و معطوف به پرسش‌های فوق به‌طور خاص، پژوهش مستقلی انجام نگرفته است؛ پژوهشگرانی که با این عنوان قلم زده‌اند، تنها شباهت‌های اسمی با موضوع این تحقیق دارند. پیشینه تحقیق را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد:

۱. تحقیقاتی که درباره آموزش بدون ارجاع به منابع دینی انجام گرفته است؛
۲. تحقیقاتی که بدون ملاحظه آموزش، با اتکا به منابع دینی انجام گرفته است. با توجه به نقصان مشهود در پیشینه تحقیقات، این مقاله به مطالعه و تحلیل آموزش بر اساس منابع دینی به‌ویژه نهج‌البلاغه پرداخته است.

الف. پژوهش‌هایی که بدون ملاحظه آموزش، با اتکا به منابع دینی انجام گرفته است، عبارت‌اند از:

۱. «نگاهی به آموزش شهروندی اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه» صاحب‌ه سالار و حجت صفار حیدری؛ نویسندگان مقاله به آموزش حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند و به این سؤالات پاسخ دادند که آیا در جوامع اسلامی می‌توان از حقوق شهروندی سخن گفت؟ یا ویژگی‌های حقوق شهروندی در جوامع اسلامی کدامند؟ آیا بر پایه‌ی حقوق شهروندی اسلامی می‌توان آموزش حقوق شهروندی را مطرح کرد؟
۲. «حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه» سیاوش پور طهماسبی و آذر تاجور؛ نویسندگان در این مقاله، به تعریف تربیت شهروند و حقوق شهروندی در قالب نظریه تورنی و همکاران (۱۹۷۱) از منظر نهج‌البلاغه و تفکرات حضرت علی(ع) پرداخته‌اند.
۳. طرح پژوهشی «ویژگی‌های شهر از منظر نهج‌البلاغه با تفاسیر آن» علیرضا قبادی و ولی اله اسماعیل پور.

در این پژوهش، نویسندگان پس از بررسی و مطالعه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، سخنان حضرت را بر اساس ارکان اصلی جامعه شهری ۱. شهروندان (مردم) یا اهل شهر؛ ۲. رفتارها و قوانین؛ ۳- محیط فیزیکی و چهار ویژگی شهر الف. فرهنگی؛ ب. اجتماعی؛ ج. مدیریتی؛ د. کالبدی و اصول، ساماندهی کرده‌اند و در بخش جمع‌بندی باتوجه به ابعاد، ارکان و اصول شهر به این نتیجه رسیده‌اند که در بخش فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی، یکی از تأکیدات حضرت (ع) آموزش شهروندی است.

ب. پژوهش‌هایی که بدون ملاحظه منابع دینی به آموزش پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. «آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی شهر تهران» کامبیز رفیعی و دکتر حیدر لطفی. نویسندگان در این تحقیق به بررسی میزان تأثیر آموزش‌های شهروندی در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی از دیدگاه ساکنان منطقه ۵ شهر تهران پرداخته‌اند.
۲. «ضرورت آموزش حقوق شهروندی» رضا فنزاد؛ نویسنده مقاله به چرایی ضرورت آموزش حقوق شهروندی، آسیب‌ها و موانع پیش‌روی شیوه‌های آموزش و راهکارهای متناسب با ارتقای شهروندی مطلوب پرداخته است. همچنین ضرورت آموزش حقوق شهروندی را در سه بُعد الف. آموزه‌ها و الزامات دینی و اخلاقی؛ ب. مقتضیات زندگی اجتماعی امروز؛ ج. الزامات ناشی از اسناد و پیمان‌نامه‌ها بین المللی مطرح نموده است.

داده‌ها و یافته‌ها

منابع و مجموعه‌های روایی حاوی مهم‌ترین و کانونی‌ترین عناصر آموزشی در زمینه‌های بینش، کنش و منش افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. در این میان، نهج البلاغه در حکم اساسی‌ترین مرجع مورد استناد جهت داوری رفتارها و تطبیق عملکردهای فردی و اجتماعی در جامعه ما به شمار می‌آید. این کتاب گرانسنگ، در برخی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به آموزش به عنوان امری لازم در ساختار فرهنگی جامعه پرداخته است. آموزش در نهج البلاغه، از آن رو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بیشتر سخنان امیرالمؤمنین(ع) در زمان تصدی، حکمرانی، انتصاب و عزل استانداران و کارگزاران حضرت در شهرها و نواحی در جامعه همراه بوده است. بنابراین، بررسی و مطالعه آموزش و طبقه‌بندی آن از این مأخذ ارزشمند در ایجاد محیطی امن و با آسایش بسیار اهمیت دارد.

پیش از ورود به بحث اصلی ذکر این نکته ضروریست که در این جستار، تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه مطالعه و بررسی و آن‌هایی که به لحاظ مضمونی و واژگانی به امر آموزش اشاره داشته، بازشناسی شده‌اند. مفاهیم و عناصر آموزشی در نهج البلاغه را می‌توان در عناوین کلی زیر دسته‌بندی کرد:

۱. تعلیم؛
۲. تربیت؛
۳. مراجعت و مجالست با عالم؛

۴. مسئولیت عالم برای تعلیم؛
۵. وقت‌شناسی در فراگیری دانش؛
۶. مسئولیت پدر در تعلیم و تربیت فرزندان؛
۷. ویژگی‌های مربی.

۱. تعلیم

تعلیم، مصدر باب تفعیل به معنای آموختن و یاد دادن است (دهخدا، ۱۳۶۵: ذیل واژه تعلیم). تعلیم به اموری اختصاص دارد که با تکرار و فراوانی همراه باشد؛ به‌گونه‌ای که از آن اثری در ذهن متعلم به وجود می‌آید؛ به‌عبارتی دیگر، تعلیم فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای اینکه متعلم دانشی را فرا گیرد.

خطبه سی و چهارم از خطبه‌های نسبتاً کوتاه نهج‌البلاغه است که حضرت (ع) در بخشی از آن، مسئله تعلیم را به عنوان ضرورت زندگی بیان می‌کند و آن را جزو مسئولیت رهبر یا والی جامعه می‌داند. حضرت (ع) می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ . وَ تَغْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا» «... اما حق شما بر من این است که... و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید» (دشتی، ۱۳۸۴: ۶۱).

امام علی (ع) در این خطبه تعلیم و رهانیدن از جهل و نادانی را وظیفه خود دانسته است. چنانکه در تعبیر «کی لا تجهلوا» استفاده می‌شود؛ یعنی در فراگیری علم اقدام نمایید تا جاهل نباشید. این تعبیر صریح حضرت (ع) گویای آن است که انسان برای اینکه در طول حیات خود از آفت جهل و نادانی رهایی یابد، باید به فراگیری علم بپردازد؛ زیرا فراگیری علم می‌تواند عامل و انگیزه‌ای برای غلبه بر جهالت و ناآگاهی‌های انسان باشد.

همچنین حضرت (ع) در بخشی از خطبه ۲۳۸ که در وصف شامیانی که تحت سیطره والی ظالم گرد آمده‌اند، علت آن را در جهل نگه داشتن شامیان و دوری آنان از تحصیل دانش بر شمرده است. حضرت (ع) در این بخش، تعمد حاکم در جهل نگه داشتن مردم را، علت مبتلا شدن آن‌ها به حکومت جور دانسته است و چنین می‌فرماید: «مِمَّنْ يَنْبَغِي أَنْ يَفْقَهُ وَ يُؤَدِّبَ وَ يَعْلَمَ وَ يَدْرَبَ وَ يُوَلِّي عَلَيْهِ وَ يُؤَخَذَ عَلَى يَدَيْهِ ...» «مردمی که سزاوار بودند، احکام دین را بیاموزند، و تربیت شوند و دانش فراگیرند و کارآموده شوند و سرپرست داشته باشند و دستگیریشان کنند...» (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۳۸).

همچنین حضرت (ع) این مهم را در بخشی از نامه شصت و هفتم هم یادآور شده است: «عَلِمَ الْجَاهِلُ...» «نادان را علم بیاموز...» (آیتی، ۱۳۷۷: ۷۷۵)

۲. تربیت

تربیت، مصدر باب تفعیل به معنای پروردن و ادب و اخلاق را به کسی آموختن است. در اصطلاح، «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت است تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ، پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کامل مطلوب تدریجاً حرکت کند» (امینی، ۱۳۷۲: ۱۲). محققان تربیت را حیاتی‌ترین مقوله انسانی می‌دانند و بر این باورند که همه سامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، سعادت و شقاوت به نوع تربیت انسان منوط است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۱۸۴)

حضرت (ع) تربیت و پرورش عموم مردم را به منظور عدم سردرگمی و رعایت ارزش‌های انسانی در شیوه عمل، بخشی از وظایف مهم حاکم اسلامی دانسته است و توجه رهبران را به این مسئله معطوف ساخته است. ایشان علاوه بر آنچه در خصوص تعلیم در کنار تعلم در خطبه‌های پیشین فرموده است در قسمتی از خطبه سی و چهارم وظیفه حاکم را تأدیب برشمرده است: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى ... وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا» «... اما حق شما بر من این است که ... و شما را تربیت می‌کنم تا بیاموزید». (دشتی، ۱۳۸۴: ۶۱)

چنانکه در این تعبیر به شیوه عمل کردن مردم اشاره کرده است. بنابراین، رشد و تعالی گروه‌های اجتماعی در گرو تربیت صحیح است. همچنین در بخشی از خطبه یکصد و هشتاد و دوم می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي قَدْ بَثْتُ لَكُمْ الْمَوَاعِظَ الَّتِي وَعَظَ الْأَنْبِيَاءُ بِهَا أُمَمَهُمْ، وَ أَدَيْتُ إِلَيْكُمْ مَا أَدَّتِ الْأَوْصِيَاءُ إِلَى مَنْ بَعْدَهُمْ، وَ أَدَّبْتُكُمْ بِسَوْطِي فَلَمْ تَسْتَقِيمُوا،». «ای مردم! من پند و اندرزهایی که پیامبران در میان امتشان داشتند، در میان شما نشر دادم و وظیفه‌ای که جانشینان پیامبران در میان مردم خود به انجام رساندند، تحقق بخشیدم. با تازیانه‌ام شما را ادب کردم، نپذیرفتید به راه راست نرفتید». (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۴۹)

۳. مراجعت و مجالست با عالم

حضرت (ع) ضمن اینکه هم حاکم و هم مردم را به یادگیری علم فرا می‌خواند، همنشینی با دانشمندان و عالمان و تبادل نظر با آن‌ها را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین حضور پر رنگ در جلسات درس فرزندگان و گفت‌وگو و بحث فراوان با آنان را از کارهای مهم و با ضرورت حاکم برشمرده است و معتقد است که این امر در آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و انضباط اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. امام علی (ع) در قسمتی از نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه نقش ارزنده استادان و دانشمندان و تأثیر چشمگیر جلسه‌های علمی را به مالک اشتر چنین سفارش می‌کند: «وَأَكْثِرْ مَدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَافَتَةَ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ،

وَأَقَامَهُ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ» «با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون است که در گذشته نیز وجود داشته است». (دشتی، ۱۳۸۴: ۴۰۷)

همچنین حضرت (ع) در بخشی از نامه شصت و هفتم، درباره یادآوری و مذاکره با عالم را چنین می‌فرمایند: «وَذَاكِرِ الْعَالِمِ...» «با عالم مذاکره کن». (آیتی، ۱۳۷۷: ۷۷۵)

۴. مسئولیت عالم برای تعلیم

حضرت علی(ع) در حکمت چهارصد و هفتاد و هشتم درباره میثاق و وظیفه الهی بر تعلیم و تعلم می‌فرمایند: «مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يَعْلَمُوا» «خداوند از نادانان تعهد به آموختن دانش نگرفته، مگر آنکه قبلاً از دانشمندان، تعهد آموزش آن‌ها را گرفته است». (دشتی، ۱۳۸۴: ۵۳۱)

در بیانات حضرت(ع) ملازمه بین یادگیری و یاد دادن آشکار است؛ یعنی بین تعلیم و تعلم رابطه دوسویه وجود دارد و لازم و ملزوم یکدیگرند و با ملحوظ دانستن این ملازمه، بیان تعهد در یک طرف کفایت می‌کند. حضرت(ع) معتقد است که باری تعالی پیش از آنکه از جاهلان پیمان یادگیری و علم آموختن را بگیرد، از اهل علم تعهد تعلیم و آموزش را اخذ کرده است؛ به سخن دیگر، بیش و پیش از آن که نادان موظف به دانا شدن باشد، دانا به آموزش او مکلف است. بنابراین، می‌توان گفت دانایی و توانایی تعهدآور است و انسان هر چقدر بیش‌تر بداند و بتواند، مسئولیت او بیش‌تر و سنگین‌تر است.

۵. وقت‌شناسی در فراگیری دانش

حضرت(ع) در خطبه یکصد و پنجم درباره پیش‌دستی کردن در کسب و فراگیری علم می‌فرماید: «فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَصْوِیحِ نَبْتِهِ، وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْعَلُوا، بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَتَارِ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ» «در فراگیری دانش پیش‌دستی کنید، قبل از آنکه درخت آن بخشد و پیش از آنکه از استفاضه علم از اهلش وامانده و به خود مشغول گردید». (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۷۵)

پیش‌دستی کردن و گوی ربودن در فراگیری دانش و بهره‌گیری از فرصت‌ها از اهل آن، برای همه گروه‌های اجتماعی از توصیه‌ها و تأکیدات مهم امام(ع) است. بنابراین، انسان هرچه در نوجوانی و جوانی به دنبال شناخت جایگاه، فراگیری و استفاضه دانش کوشا تر باشد، به‌طور طبیعی قوای فکری او در جذب فراگیری توانا تر است و هرچه سن افزایش می‌یابد، قوای ادراک سست‌تر و ضعیف‌تر و جذب آن بسیار دشوار می‌شود.

۶. مسئولیت پدر در تعلیم و تربیت فرزندان

حضرت (ع) در حکمت سبب و نود و نهم نهج البلاغه، دربارهٔ وظیفه و مسئولیت پدر در برابر تعلیم و آموزش فرزند چنین می‌فرماید: «إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يَطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ إِسْمَهُ وَ يَحْسِنَ أَذْبَهُ وَ يَعْلِمَهُ الْقُرْآنَ» «همانا فرزند را به پدر، و پدر را به فرزند حقی است. حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد. (دستی، ۱۳۸۴: ۵۱۹)

از دیدگاه حضرت علی(ع)، فرزندان آموزش‌پذیر و تربیت‌پذیرند. اگر پدر شیوه‌ها و اصول آموزشی و تربیتی را به‌درستی بداند، می‌تواند از این ویژگی و تربیت‌پذیر بودن فرزندان خود به‌خوبی بهره‌برد و فرزندان خود را در دستیابی به مدارج والای علمی و معنوی کمک کند. از این‌رو، حضرت (ع) با ملحوظ داشتن اصل «تربیت‌پذیری انسان» یکی از حقوق فرزندان بر پدر را، تعلیم و تربیت شایسته فرزندان می‌داند و آموزش علوم دینی از جمله قرآن، احکام، سنت‌های حسنهٔ ائمه معصومین و سایر دانش‌های لازم برای زندگی فرزند را از وظایف و مسئولیت‌های خطیر پدر بر می‌شمارد؛ به‌گونه‌ای که پدر در ایفای این مسئولیت مهم باید خود، متصدی آموزش باشد.

۷. ویژگی‌های مربی

حضرت (ع) در حکمت هفتاد و سوم دربارهٔ ضرورت خودسازی مربیان چنین می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِإِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد». (دستی، ۱۳۸۴: ۳۵۶)

حضرت(ع) در این حکمت، ضرورت خودسازی و ویژگی‌های مربیان و معلمان را مورد تأکید قرار می‌دهند و به دو نکتهٔ اساسی اشاره می‌کنند:

۱. مربی و معلم باید خود، از قبل دانش‌آموخته و تربیت‌شده باشد، سپس به مربیگری و آموختن دیگران پردازد.

۲. آموزش‌دهنده و مربی باید با عمل خود به تربیت و هدایت دیگران اقدام نماید؛ زیرا سخنان بدون عمل نه تنها سبب هدایت و تربیت صحیح نمی‌شود، بلکه ممکن است موجب بی‌اعتمادی و گمراهی فرد تربیت‌شونده گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آموزش (تعلیم و تربیت) به‌عنوان فرایند تأثیرگذار در انتقال دانش، نگرش و منش به افراد و گروه‌های اجتماعی در قرآن کریم و سایر منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان، نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، مهم‌ترین منابع دینی و معرفت‌یست که به امر آموزش پرداخته است؛ لذا نوشتار حاضر تلاشی برای دستیابی به کم و کیف، رویکرد، عناصر و مفاهیم آموزش در نهج‌البلاغه است. حضرت (ع) آموزش را یک ضرورت، نیاز و حق برای حیات بشری می‌بیند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که انسان برای اینکه به مراحل کمال، خلاقیت، خودآگاهی، آزاداندیشی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری دست‌یابد و از جهل و نادانی رها شود، باید آموزش را سرلوحه کار خود قرار دهد.

در یک نگاه کلی عمده‌ترین دستاوردهای حاصل این پژوهش را با توجه به موضوع آموزش در نهج‌البلاغه می‌توان در عناوین زیر بیان کرد:

۱. حضرت (ع) آموزش را به‌عنوان ضرورت زندگی سالم و بهره‌مند از حقوق انسانی و در مقابل جهل نگه داشتن مردم را عاملی برای محروم ساختن انسان از حقوق خویش می‌داند؛
۲. حضرت (ع) آموزش را در دو سطح ذهنی و عینی مورد تأکید قرار داده است؛ یعنی در سطح ذهنی به دانش و معرفت و در سطح عینی به رفتار و عمل تأکید می‌ورزد؛
۳. حضرت (ع) فرایند آموزش را بر اساس اولویت، نخست وظیفه و تکلیف حاکمان، سپس عالمان و والدان قرار داده است؛
۴. با توجه به تأثیر گفت‌وگوهای علمی (مجالست و مؤانست) در شناسایی و حل مسئله، مجالست حاکمان و عالمان را مورد تأکید قرار داده است و نتایج چنین گفت‌وگوهای علمی را موجب رشد و توسعه جامعه می‌داند؛
۵. حضرت (ع) در نهج‌البلاغه وظیفه تعلیم دهندگان علم را مهم‌تر از فراگیران علم می‌داند؛
۶. در نظام آموزشی حضرت (ع)، فرایند یادگیری در آغازین سال حیات آدمی لحاظ شده است؛
۷. وقت‌شناسی در فراگیری دانش از اهم تأکیدات نظام آموزشی حضرت (ع) به‌شمار می‌آید؛
۸. در حوزه تربیتی، حضرت (ع) ویژگی‌هایی را برای مربیان از جمله عامل بودن مربیان بر می‌شمارد و تعلیم را جزو وظایف حاکمان، عالمان و والدین و تعلّم را وظایف همگان قلمداد می‌کند؛

پیشنهادهای:

۱. برای استفاده کاربردی از داده‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود؛ مؤلفه‌ها و عناصر آموزشی در معرض قضاوت و داوری کارشناسان آموزش قرار گیرد؛
۲. همچنین به محققان و علاقه‌مندان در عرصه آموزش و تربیت پیشنهاد می‌شود تا داده‌های فوق را با مطالعه تطبیقی با آرای سایر محققان، صاحب‌نظران و مدرسان آموزش و تربیت تکمیل نمایند تا این تأکیدات مهم از غربت علمی خارج شود.

منابع و مأخذ

۱. آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۷)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. ابن ابی الحدید، (۱۹۶۳ - ۱۹۶۴م)، شرح نهج البلاغه، جلد اول تا پنجم، تحقیق حسن تمیم، بیروت: دار مکتبیه الحیاه.
۳. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۲)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
۴. خوش صحبتان، محمد امیر، (۹۳)، «تسلط ایدئولوژی برآموزش: مروری بر تاثیرات نئولیبرالیسم و لیبرال دموکراسی بر محتوا و روش نظام های آموزشی»، ماهنامه سوره، شماره ۷۴-۷۵، صص ۷۵-۷۶.
۵. دشتی، محمد، (۱۳۸۴)، نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب.
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۵)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۸. سیف، علی اکبر، (۱۳۷۹)، روانشناسی پرورشی: یادگیری و آموزش، ویرایش پنجم، تهران: آگاه.